



یکی مثل ما

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۳۰ ■ ۸ دی ۱۴۰۱

نوجوان
بازار



عطیه ضرابی

درباره خواننده‌ای که رؤیاهایش را می‌خواند

با من بخوان

زمزمه کردن از آن کارهایی است که هرکسی در زندگی‌اش حداقل یک بار آن را انجام داده است. وقتی به کاری مشغول بوده‌ای می‌خواسته حواسش را از چیزی پرت کند؛ شعری یا آهنگی را زیر لب خوانده و برای چند لحظه هم که شده حواسش را از دنیا و اتفاقات اطرافش پرت کرده است. خواننده‌ها آدم‌هایی هستند که می‌توانند اکثر اوقات زیر آواز بزنند و کسی به آنها خرده نمی‌گیرد. می‌توانند به راحتی شعری که دل‌شان خواست را بخوانند و بقیه هم از آنها تعریف کنند! امروز پای صحبت‌های سید محمد مهدی شریفی نشسته‌ایم؛ خواننده‌ای که با هدفی متعالی وارد این عرصه شده است و حرف‌هایی برای گفتن دارد.

« آغاز

سید محمد مهدی شریفی، نوجوانی شیرازی است که این روزها در شهرکرد زندگی می‌کند و درس می‌خواند. او دانشجوی رشته حقوق است و در این بین، به اعتراف خودش، کمتر حواسش را به درس داده است و ترجیحش همین خواندن و خوانندگی است. شریفی نظر جالبی درباره هنر دارد؛ او هنر را مخلوق خدا می‌داند که برای تاثیرگذاری آفریده شده است! این حرف یک نوجوان دهه هشتادی است که در همین روزها و همین آب و خاک رشد کرده. جرقه شروع خواندن و خوانندگی‌اش؛ شروع هیجانی‌ای نداشته چون از همان کودکی به خواندن و زمزمه کردن علاقه داشته و دیدن پدر بزرگ مداحش هم این علاقه را دوچندان کرده. علاوه بر علاقه، سید محمد مهدی صدایش را از رثیه پدر بزرگش هم می‌داند و به صورت زیر پوستی به مافخر فروشی می‌کند! ماکه بخیل نیستیم؛ به امید موفقیت هر چه بیشترش در این حوزه.

« در مسیر خواندن

آن وقت‌ها که سید محمد مهدی در شیراز بوده؛ یک مسجدی در محله‌شان داشتند به نام مسجد حضرت ابوالفضل (ع) که سید در هیأتش مداحی می‌کرده و میکروفن دست گرفتن را آنجا تمرین می‌کرده؛ کم‌کم متوجه می‌شود که باید صدایش را به گوش بقیه هم برساند و تصمیم می‌گیرد پا در عرصه بزرگ‌تری بگذارد و بایک بسم...، به موسیقی و تاثیراتش فکر می‌کند و خودش را در این عرصه پیدا می‌کند. هر راهی یک چراغی می‌خواهد که مثل مادرها دستت را بگیرد و چم و خم کار را نشان بدهد و برایت از پستی‌ها و بلندی‌های مسیر بگوید و گاهی اوقات ته دلت را هم خالی کند و گاهی هم با امیدواری‌اش در دلت قند آب کند! سید محمد مهدی حرفی از راهنمایش برای ما نزد اما گفت که آن زمان شنیدن کارهای حامد زمانی، انرژی زیادی برای او و حرکتش در این مسیر می‌داده است.

« صداست که می‌ماند

در یادتان از آدم‌های مهم زندگی‌تان چیزی مانده؟ شاید تصویری، عطری، خاطره‌ای، یا شاید هم صدایی! من که نمی‌دانم اما می‌گویند تنها صداست که می‌ماند! این یعنی باید به پوشه پوشه ذهن‌مان سر بزنیم و ببینیم چه صداهایی در آنها ذخیره شده و از گوش دل‌مان بیرون نرفته است! فکر کنم بیشتر خواننده‌ها و گوینده‌ها هم به دلیل همین جمله سراغ صدا می‌روند؛ صداها تا اعماق گوش آدم می‌روند و دیگر بر نمی‌گردند! همان‌جا می‌مانند و شروع می‌کنند به تکثیر شدن. موسیقی دنیای عجیبی دارد؛ شاید به دلیل همین دنیای عجیبش هم هست که شیفته‌های زیادی دارد! سید محمد مهدی این روزها در عرصه خوانندگی، تک آهنگ و تک‌خوانی را پیش می‌برد و به قول خودش خیلی راه دارد. راه را از هر طرفی که نگاه کنی، زیاد است! مهم این است که چطور مسیر را جلو و جلوتر ببری!

« در معیت روزگار

از میان حرف‌های سید متوجه می‌شوم که دغدغه‌اش، فقط دیده شدن و مطرح شدن نیست؛ انگار یک چیز عظیمی از حرف‌هایش می‌پرد بیرون که جامعه در آن نقش پررنگی دارد. شریفی دوست دارد بخواند تا نیاز جامعه را در این موضوع به قدر خودش، صدایش و مهارتش کمتر بکند. به زعم خودش خیلی خیلی موضوعات زیادی وجود دارد که سراغ‌شان نرفته و نخوانده اما پله پله به همه‌شان می‌رسد. سید محمد مهدی می‌داند که در این مسیر، سختی‌ها و موانع زیادی پیش رو دارد؛ از حرف و حدیث‌ها گرفته تا قضاوت‌ها و هر آن چیزی که فکرش را بکنید! از شایعات و تهمت‌ها تا بحث هزینه‌های هنگفتی که باید بکند تا بتواند صدایش را به افراد بیشتری برساند. او به همه اینها آگاه است و برای رفع‌شان کفش آهنی به پا کرده، البته از آن آدم‌های اهل توکل است که به همین راحتی‌ها، تا وقتی خدا دارد، پا پس نمی‌کشد.

« همه با هم

خانواده‌ها تاثیر زیادی در ادامه نوع و روند زندگی‌ما دارند؛ قبول بکنیم یا نکنیم؛ همین‌طور است. شریفی می‌گوید که خانواده‌اش تا قبل از شنیدن اولین کارش همچین تمایلی به پا گذاشتن‌اش در این مسیر نداشتند اما بعد از شنیدن اولین کار، خیلی هم مشتاق شدند و تشویقش هم کردند تا پر قدرت تر ادامه بدهد. همان‌طور که بالاتر گفتیم؛ ترجیح سید محمد مهدی بیشتر فعالیت خوانندگی است تا درس و مشق اما خودش می‌گوید با برنامه‌ریزی، می‌شود طوری زندگی کرد که صدمه‌ای به ابعاد دیگر وارد نشود. شریفی، بخشی از وقتش را هم در فضای مجازی می‌گذراند و بخشی را هم به کتاب خواندن و کتاب‌خوانی! چون به قول خودش طمع کتاب خواندن دارد و بخشی از زمانش را این‌طور صرف می‌کند. اگر وقتی هم بماند؛ سریال و فیلم تماشا می‌کند و سعی می‌کند بدون تحلیل از کنارشان نگذرد.

« به امید آرزوها

آدم بی‌آرزو مثل کتاب بدون کلمه، بی‌معنی و خالی است. آدم به آرزوها زنده است و برای‌شان تلاش می‌کند تا به جاهای خوبی برساندشان، هم خودش را و هم آرزوهایش را. وقتی درباره رؤیای سید مهدی از او می‌پرسم؛ جوابی می‌دهد که کمتر شنیده‌ام. او می‌گوید که دوست دارد صدایش روزی به گوش تمام مردم دنیا برسد و این رسیدن؛ همراه با تاثیرگذاری باشد. یعنی در دل و جان‌شان نفوذ کند. او دوست دارد صدایش یک کمک‌رسان به دین و امامش باشد؛ امامی که نامش را از او وام گرفته و برایش خیلی تلاش می‌کند. این‌طور که می‌بینیم؛ او مرد عمل است و پای حرف‌هایش می‌ماند. برای خودش و راهش و مسیری که در آن قرار گرفته و آرزوهایش، دعا می‌کنیم؛ دعایی که مستقیم به دست صاحب و دوست این روزهای‌مان برسد و امضایش کند؛ امضایی سبز و به قول سید محمد مهدی شریفی، تاثیرگذار!



برای شنیدن
«مهر حریم حرم»
کیو آر کد را
اسکن کنید